

www.Bakhtiaries.com



تاریخ اجتماعی ایران

جلد دوم

تاریخ فلسفه در ایران

تالیف: مرتضی راوندی

www.Bakhtiaries.com

تاریخ فلسفه در ایران

جلد دوم

تاریخ فلسفه در ایران

تألیف: سید محمد باقر

www.Bakhtiaris.com

تاریخ اجتماعی ایران

جلد دهم

تاریخ فلسفه در ایران

تألیف: مرتضی راوندی

انتشارات آرش نشر زمانه

سیتامبر ۱۹۹۴

www.Bakhtiaries.com

مرتضی راوندی

تاریخ اجتماعی ایران

جلد دهم، تاریخ فلسفه در ایران

شماره ثبت: ISBN91-87528-46-0

چاپ اول، سپتامبر ۱۹۹۴، سوئد، آمریکا

ناشرین:

انتشارات زمانه، سن حوزہ، آمریکا، تلفن ۹۰۰۰-۹۴۶-(۴۰۸)

انتشارات آرش، استکهلم، سوئد، تلفن ۸۲ ۷۰ ۷۹۵-۸-(۴۶)

ARASH Tryck & Förlag
Bredbyplan 23, nb
163 71 Spånga
SWEDEN

ZAMANEH PUBLICATION
2030 Concourse Drive
San Jose, CA 95113
USA

فهرست

- پیشگفتار
- ۱۷ نظری کلی به افکار فلسفی در یونان قدیم
- ۲۰ حکمت عملی
- ۲۱ دورهٔ آباء مسیحی
- ۲۳ سیر علوم و افکار در عالم اسلام
- میزان علوم و اطلاعات اعراب در دوران جاهلیت
- ۲۴ حدود فرهنگ و تمدن اعراب
- ۲۵ نظری کلی به نمایندگان فرهنگی ایران قبل از اعراب
- ۲۹ سیر تفکر و اندیشه‌های فلسفی بعد از اسلام
- تبلغات مذهبی
- عهد عباسیان
- ۳۳ دورهٔ اول:
- سیر اندیشه و جهان بینی مردم در دورهٔ جاهلیت و در عهد خلفای راشدین و بنی امیه
- ۴۱ سیر اندیشه‌ها
- دورهٔ دوم:
- ۴۲ برخورد عقاید و افکار
- ۴۳ مسئلهٔ جانشینی
- ۴۵ نظری کلی به جریانات فکری و فلسفی در ایران
- ۴۸ مکاتب فلسفی
- ۵۰ مهمترین فرق و جریانات فکری در اسلام
- ۶۱ سخن مخالفان
- ۶۳ نظریات دهریون
- ۶۴ نظریات خاورشناسان
- ۶۷ جدالهای فلسفی

- ۷۱ سیر حکومت در جهان اسلام
۷۱ حکومت مذهبی
۷۳ خلیفه و سلطان
۷۴ نقش افکار عمومی
توجه بعضی از خلفا و زمامداران
حکومت عباسی به علم و فرهنگ
۷۶ خاندان برمکی
۷۷ مباحثات فلسفی
۷۹ نقش معتزله
۸۱ روش متوکل
۸۳ متکلمین بزرگ
۸۵ روش هارون
۸۶ سعه صدر و آزاداندیشی جعفر صادق (ع)
۹۱ زندیق
۹۲ تلاش در راه سازش دین با فلسفه
۱۰۲ پیشرفت معتزله
۱۱۴ متکلمین نامدار
۱۲۴ دوران عقل گرایی
- ۱۳۳ آشنایی با چندتن از متفکران و صاحب نظران این دوران
۱۴۶ ابن مقفع
۱۵۱ فارابی
۱۵۶ مقایسه فارابی با دیگر دانشمندان
۱۵۹ حسین ابن منصور حلاج
۱۶۵ ابن راوندی
۱۷۳ الواعلای معری
۱۸۱ کندی
۱۸۵ نظرات فلسفی ناصر خسرو

- ۱۹۴ روابط فرهنگی ایران و هند در قرون وسطا
- ۲۰۰ نظری کلی به عقاید معتزله
- ۲۱۶ مقایسه غزالی با مولوی
- ۲۲۱ متفکرین اسپانیا
- ۲۳۰ نظر دانشمندان مصری در باره اخوان الصفا
- ۲۳۵ تلاش روشنفکران در راه بیداری مردم
- ۲۳۶ ویژگی های عصر غزالی...
- ۲۴۳ سابقه تاریخی دائره المعارف اوریا
- ۲۵۳ شیخ الرئیس ابوعلی سینا
- ۲۶۱ حکیم عمر خیام
- ۲۶۴ نزدیکی افکار فلسفی خیام با حافظ
- ۲۷۵ ادامه فتوحات علمی در ایران و جهان اسلام در قرون وسطا
- ۲۷۸ نخستین پادشاه دانشمند
- ۲۸۱ سیر علوم بعد از اسلام
- ۲۹۲ سیر دانش پزشکی در ایران و جهان
- ۲۹۸ کتابها و منابع پزشکی در قرون وسطا
- ۳۱۱ سیر تکاملی اندیشه های ادبی و فلسفی در اروپا
- ۳۱۵ رشد دانش پزشکی در اوریا
- ۳۱۶ رشد تدریجی علوم تجربی
- ۳۱۸ علم پزشکی در عالم اسلام
- تنوع موضوعات و مباحثات علمی و فرهنگی در قرون وسطا ۳۲۵
- ۳۲۶ اطلاعات جغرافیایی و وضع راه ها و دریانوردی
- ۳۳۳ وسایل و آلات مکانیکی در دوران بعد از اسلام
- سیر تفکر و اندیشه های علمی و فلسفی در اواخر عهد سلجوقی
- ۳۳۷
- ۳۴۰ نظر کلی به سیر تفکرات فلسفی از قرن سوم تا ششم
- ۳۴۷ سیر نزولی افکار و اندیشه های علمی و فلسفی
- ۳۵۷ مقام فرهنگی ابن رشد

- سیر تفکر و اندیشه های فلسفی و علمی
پس از حمله مغول
۳۶۹
۳۷۵ تفکرات فلسفی سه رودی
۳۸۴ ملاصدرا
۳۹۸ ملاحادی سبزواری
۴۱۰ سرنوشت علم در قرن اخیر
۴۰۳ نگاهی به اروپا در قرن هیجدهم
۴۰۷ متفکران و صاحب نظران ایران در قرن سیزدهم هجری
۴۰۸ پرچم داران اندیشه های جدید فلسفی و اجتماعی ایران
۴۳۳ لزوم استقرار دموکراسی در ایران
۴۴۳ اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی
۴۵۲ نظرات مستشارالدوله
۴۵۷ حقوق بشر در عهد ناصری
۴۶۲ دیگر مجاهدین راه آزادی و قانون
۴۶۶ فعالیت های اجتماعی و سیاسی استبداد ناصری
۴۷۳ تفکرات فلسفی ملاحادی سبزواری
افکار و اندیشه های فلسفی اجتماعی و
۴۷۷ مذهبی در عهد صفویه
۴۸۱ جنبش های جدید مذهبی
مختصری از تعالیم و آموزش های مذهبی
۵۰۶ و اجتماعی باب و بهاء
۵۱۵ رادمردان مبارز در طول تاریخ
۵۱۶ وسعت نظر خداوندان تصوف
نظری اجمالی به سیر تکامل
۵۲۷ علوم و افکار در اروپا و جهان مسیحیت
۵۲۷ نشر اندیشه های در اروپای مرکزی
۵۲۹ نظر کلی به تاریخ مختصر علوم از آغاز تا کنون
۵۳۷ نظری اجمالی به سیر تکاملی ریاضیات

پیشگفتار

با انتشار جلد دهم تاریخ اجتماعی ایران، کار سنگین و دشواری را که در حدود چهل سال پیش، با علاقه فراوان، گردآوری مطالب و تألیف آن را به عهده گرفته بودم، پایان یافت و تاریخ اجتماعی ایران، با تحمّل مشکلات و موانع بسیار در ده مجلد، از منابع و مآخذ گوناگون جمع آوری و منتشر گردید.

در هر یک از مجلدات، یکی از نمودها و مظاهر زندگی مردم این سرزمین، بررسی و تحقیق شده است. در جلد دهم افکار و اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. باید توجه داشت که حکمت و فلسفه که موضوع مطالعه ما در این مجلد است، به معنی دانش و پرورش عقل و خرد است، تا در پرتو آن، بتوان ب معرفت واقعی و کشف حقیقت قضایا دست یافت، جالب توجه است که در قرآن کریم، بیش از دیگر مذاهب، به تفکر و تعقل در امور و مسائل زندگی توجه و عنایت شده است، لفظ حکمت در قرآن و احادیث مکتب تشیع مکرر آمده است.^۱

پیروان مکتب تشیع از دیرباز برای عقل و اجتهاد و تشخیص صحیح از سقیم، مقام ارزش فراوان قایل بودند در سوره «زمر» آیه ۹ به مقام الای علم و دانش اشاره شده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» یعنی بگو، آنانکه اهل علم

۱. در سوره بقره آیه ۲۶۹ می‌فرماید: یونی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة فقد اونی خیراً کثیراً و ما یدکر الا اولوا الالباب. یعنی «خدا فیض حکمت و دانش را به هر کس خواهد عطا کند، و هر کس را به حکمت و دانش رساند، در حق او عنایت و مرحمت بسیار فرموده و این معنی را جز خردمندان متذکر و آگاه نشوند.»

و دانشند با مردم جاهل برابرند.»^۱

در احادیث نیز فرا گرفتن علم و حکمت تأکید و تصریح شده است.^۲ ما حاصل و نتیجه‌ای که از آیات سبحانی و اخبار و احادیث به دست می‌آید این است که ذات باری چیزی برتر و گران‌بهار از عقل سلیم در میان بندگانش تقسیم نکرده، تا آنجا که خواب خردمندان را بهتر از بیداری مردم نادان می‌داند. حدیثی هست که پیغمبر اکرم فرمود: ما پیامبران با مردم به اندازه عقلشان سخن می‌گوئیم.

حدیث دیگری می‌گوید: «لا یُفْلِحُ مَنْ لَا یُعْقِلُ» هر که عقل ندارد رستگار نمی‌شود. چنانکه دیدیم اساس دعوت اسلام نیز بر دلیل و برهان استوار است، در سوره نحل آیه ۶۴ آمده است: لَلْهَاتُوا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ: یعنی بگو اگر راست می‌گوئید برهان خود را بیاورید.

به نظر کنیدی دانشمند شهیر، هدف و غایت دین و فلسفه یکی است:

به نظر ابویوسف ابن‌اسحاق کندی فیلسوف و متفکر نامدار، هدف و غایت دین و فلسفه یکی است و مراد از این دو کشف حقیقت و تبلیغ رفتار و کردار نیک است.

۱. همچنین در قرآن در سوره اسرا: آیه ۲۶ به این حقیقت تصریح شده است: لا تقف ما لیس لك به علم، یعنی: تا یقین و اطمینان قطعی پیدا نکردی دنبال چیزی مرو یا به عبارت دیگر از تقلید و تمبذ و اطاعت کورکورانه پرهیز کن. همچنین مفاد سوره انعام آیه ۱۱۶ این است: اگر دنبال اکثر این مردم بروی گمراهت می‌کنی، برای اینکه از قانون عقل پیروی نمی‌کنی و چیز اندیشه باطل و دروغ چیزی در دست ندارند؛ همچنین در مزیت تفکر و تعقل گفته‌اند: تفکر سیاعة خیر من عبادة سبعین سنة. و در منزلت حکمت گفته‌اند:

۲. الحکمة ضالة المؤمن یاخذها ایما و جدها یعنی حکمت گمشده مومن است، هر جا آنرا بیستد می‌گیرد در تعالیم و اندرزه‌های دانشمندان اسلامی آمده است که نقاد سخن باشید: «کونوا نقاداً» یا کونوا صیارقة الکلام، یعنی صرف سخن باشید، مراد از این جمله آنست که آنچه را نمی‌شنوید، یا در کتابها میخوانید به تقلید و تبعید نپذیرید، بلکه مسوغات و گفته‌های مردم و تعالیم کتب گوناگون را به محک عقل بیازمائید تا بتوانید حق را از باطل تمیز دهید.

همچنین در سوره جمعه آیه ۲ آمده است: هو الذی بعث فی الامم رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم یتعلمون الکتاب و الحکمة... در مقام و منزلت کتاب و علم حکمت همین پس که خداوند پیغمبر آبی خود را برای تلاوت و ابلاغ آیات سبحانی و تعلیم حکمت مبعوث فرموده است.

همچنین در سوره نحل آیه ۱۲۵ آمده است ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن... یعنی ای رسول ما، خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق گفتگو نما. و در سوره لقمان آیه ۱۲ می‌فرماید: ولقد آتینا لقمان الحکمة ان اشکر لله ومن اشکر فانا بشکر لنفسه ومن کفر فان الله غنی حمید. یعنی ما به لقمان علم و حکمت عطا کردیم و فرمودیم که بر این نعمت خدا را شکر کن و هر کس شکر گوید به نفع خود اوست و هر که ناسپاسی و کفران ورزد به زیان اوست که خدا بی نیاز و ستوده صفاتست. علاوه بر آنچه گفتیم برای پی بردن به مقام الاهی عقل و تفکر، توجه به این نکته ضروری است که در پایان بسیاری از آیات قرآن عبارت «فلا یعقلون» و «فلا یتفکرون» آمده است.

براساس این تعالیم، تفکر و تعقل در امور حیاتی، یکی از فرایض اجتماعی و مذهبی در دین مبین اسلام است. متفکرین و صاحب نظران عالم اسلام، مخصوصاً جمعیت اخوان الصفا و معتزله، از دیرباز در راه سازش و هماهنگی دین و فلسفه، و همکاری این دو، در پرورش افکار و سعادت و بهروزی جامعه بشری کوششها کرده و موفقیتهای بزرگی به دست آورده اند. تفاوت دین حنیف اسلام با دیگر ادیان این است که اسلام و قرآن برای عقل و خرد آدمی ارزش و مقام والایی قابل است و در آیات قرآن چنانکه اشارت رفت، مکرر مسلمانان و جامعه بشری به تفکر و تعقل در امور، دعوت و تبلیغ شده اند.

هرگاه تاریخ اسلام را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهیم، می بینیم از صدر اسلام به این طرف در نتیجه مباحثات و مناظرات علمای دین با مادیون و منکران آیین محمدی و پاسخ و پرسشهایی که از قرن دوم هجری به بعد، در محافل علمی و مذهبی مطرح گردید، فن خطابه و جدل و علم اصول و کلام و حکمت و فلسفه رو به رشد و کمال رفت.

در حالی که در اروپا، در تمام دوره هزار ساله قرون وسطا و چند قرن بعد، اثری از آزادی فکر و اندیشه دیده نمی شود. پاپ روم از حدود سال ۱۲۳۳ میلادی به بعد عده ای از «دومی نیکان» را مأمور تحقیق در عقاید و آداب سیرری مذهبی در جنوب فرانسه کرد، بعداً دامنه این تحقیق و تفتیش به شمال ایتالیا و آلمان و ایالات پایی گسترش یافت و طولی نکشید که شکجه متهمین و شهود به وسیله مأمورین مخصوص رایج گردید.

در جریان تفتیش عقاید و افکار در قرون وسطا، گاه محکومین را می سوزانیدند، شکجه می دادند و بیشتر زندانی، و اموالشان را مصادره می کردند. تفتیش عقاید منجر به اخاذی و سوء استفاده های فراوان گردید.

پس از آنکه در قرن هجدهم میلادی، در نتیجه پیشرفت علوم و افکار و مبارزات دامنه دار اجتماعی، و رشد صنعت و تجارت و توسعه و گسترش صنعت چاپ و روشن شدن افکار عمومی، در فرانسه دایره المعارفی به سرپرستی «دیدرو» و «دالامبر» و با همکاری عده ای از دانشمندان عصر، نظیر کنه، منتسکیو، ولتر، ژان ژاک روسو، تورگو و دیگران در ۱۷۵۱ انتشار یافت. به سبب نظارت و مراقبت و تعصب شدید مراجع مذهبی و «زرونیتهای» دولت فرانسه ناچار اجازه چاپ کتاب را در ۱۷۵۹ میلادی لغو کرد، ولی دوران این محرومیت فرهنگی دوام نیافت و در نتیجه مقاومت و تلاش و مساعی مداوم مردم و روشنفکران و فرهنگ دوستان فرانسه، چاپ مجدد آن کتاب که حاوی اطلاعات علمی، فنی و هنری فراوان بود، در ۱۷۸۰ صورت گرفت و مردم فرانسه از این گنجینه عظیم فرهنگی سود فراوان بردند و دیری نگذشت که دانشمندان دیگر کشورهای اروپا در راه تدوین

چنین دایرةالمعارفی، به تلاش و تکاپو پرداختند و از روش تحقیق و پژوهش محققین انگلستان و فرانسه بهره‌مند شدند.

ولی در کشورهای خاورمیانه و در جهان اسلامی از صدر اسلام تا ظهور اشاعره و قشربون، دانشمندان عالم اسلام، کم و بیش می‌توانستند عقاید و نظریات فلسفی، اجتماعی و علمی خود را اظهار کنند. و خلفای بغداد و سلاطین و امرای ایرانی به علت محدود بودن دایرة انتشار این کتابها یا به علت آزاد اندیشی، در راه تألیف و انتشار آنها سدّ و مانعی ایجاد نمی‌کردند.

در میان دانشمندان روزگار ما استاد مرتضی مطهری در کتاب: «پیرامون انقلاب اسلامی» با صراحت تمام با تحدید عقاید و افکار و اعمال زور، برای قبولان معتقدات و ایدئولوژیها، مخالفت ورزیده است. به عقیده استاد: «هر مکشی که به ایدئولوژی خودایمان و اعتقاد و اعتماد داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی تفکر باشد... من اعلام می‌کنم که در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد، همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصیلشان را عرضه کنند.» سپس خطاب به پیروان مکاتب افراطی می‌گوید: «... ما صریح و رُک و پوست‌کنده به شما می‌گوییم: آقا! رژیم حکومت و ایده آل ما، غیر از حکومت ایده آل شماست، رژیم اقتصادی ایده آل آینده ما، غیر از رژیم اقتصادی مطلوب شماست، نظام اعتقادی و فکری ما، و جهان بینی ما، غیر از نظام اعتقادی و فکری و جهان بینی شماست. شما، سخن خود را به صراحت بگویید، ما نیز حرفمان را صرح و رُک می‌گوییم تا هرکس که می‌خواهد از این راه برود و هرکس که نمی‌خواهد از راه دیگر، من به همه دوستان غیرمسلمان اعلام می‌کنم، از نظر اسلام تفکر آزاد است، شما هرطور می‌خواهید بیندیشید و عقیده خودتان را ابراز کنید... بعد ما می‌آییم و حرفهایمان را می‌زنیم و منطق خودمان را می‌گوییم، هیچ کس هم مجبور نیست منطق ما را بپذیرد.

... من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می‌دهم که خیال نکنند، راه حفظ معتقدات اسلامی، جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است.

از اسلام فقط با يك نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن «علم» است و آزادی دادن به افکار مخالف، و مواجهه صریح و روشن با آنها... والا اگر جلوی فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلامی را شکست داده‌ایم.

از آنجا که ماهیت این انقلاب، ماهیتی عدالت‌خواهانه بوده است، وظیفه همگی ما این است که برای آزادیها به معنی واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا بشود حکومت

جمهوری اسلامی زمینهٔ اختناق را بوجود بیاورد شکست خواهد خورد... منظور ما آزادی به معنای معقول آن است. هر کس باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد... تجربه‌های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری برخوردار بوده است، این امر به ضرر اسلام تمام نشده است، بلکه در نهایت به سود اسلام بوده است.

در جامعه ما باید محیط آزاد برخوردار عقاید و افکار بوجود بیاید، به طوری که صاحبان افکار مختلف، بتوانند حرفهایشان را مطرح کنند، ما هم در مقابل بتوانیم آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینهٔ سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می‌کند.

اسلام دین آزادی است، دینی که مروج آزادی برای تمام افراد جامعه است. در سورهٔ دهر، آیه ۲ می‌خوانیم: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرُونَ وَإِنَّا كَفُورُونَ*.

و یا در سورهٔ کهف، آیه ۲۹: *فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ*. اسلام می‌گوید: دینداری اگر از روی اجبار باشد دیگر دین‌داری نیست. می‌توان مردم را مجبور کرد که چیزی نگویند و کاری نکنند، اما نمی‌توان مجبور کرد که اینگونه یا آنگونه فکر کنند. اعتقاد باید از روی دلیل و منطقی باشد. از دیدگاه اسلام، آزادی و دموکراسی براساس آن چیزی است که تکامل انسانی انسان ایجاب می‌کند، یعنی آزادی، حق انسان است... شما کی در تاریخ عالم دیده‌اید که در مملکتی که همه مردمش احساسات مذهبی دارند، به غیر مذهبها آنقدر آزادی بدهند که بیایند در مسجد پیغمبر یا در مکه بنشینند و حرف خودشان را آنطور که دلشان می‌خواهد بزنند، خدا را انکار کنند منکر پیامبری پیغمبر شوند، نماز و حج و... زد کنند و بگویند ما اینها را قبول نداریم اما مسلمانان و معتقدان مذهب، یا نهایت احترام با آنها برخورد کنند. در تاریخ اسلام از این نمونه‌های درخشان بسیار است... اگر در صدر اسلام در جواب کسی که می‌آمد و می‌گفت من خدا را قبول ندارم، می‌گفتند: بزیند بکشید، امروز دیگر اسلامی وجود نداشت.^۱ در تاریخ اسلام می‌خوانیم که بیروان امام جعفر صادق مانند آن حضرت با صبر و شکیبایی سخن کفار و ملحدین را می‌شنیدند و آنان را با پاسخهای منطقی، مُجاب و قانع می‌کردند.

در جریان مباحثات و گفتگوهای پرشور و هیجان مسلمانان با مخالفان آیین محمدی، چون دین اسلام با سلاح فلسفه و تعقل مجهز بود؛ بیشتر از همهٔ ادیان و مذاهب جهان توانست در مقابل هجوم استدلال فلسفی و منطقی مقاومت و پایداری نماید.

۱. نگاه کنید به مجلهٔ پیام هاجر، دفتر نخست از انتشارات جامعه زنان انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۶۱، از ص ۱۸ تا ۲۰ (به اختصار).

در این کتاب برای رعایت بی طرفی کلیه آراء و نظریات گوناگون فلسفی که بعضی از آنها با معتقدات مؤلف تعارض و تباین کلی داشت عیناً نقل و درج گردید، تا خواننده با افکار و نظرات گوناگون متفکرین و صاحب نظران ایران و دیگر ملل پیشرفته جهان اسلامی آشنا و مانوس گردد. و خود با محك عقل، نظریات مختلف و متباین را مورد پژوهش و تحقیق قرار دهد، و از این راه، حق را از باطل و صحیح را از سقیم تشخیص دهد. و از تبعیت کورکورانه از عقاید موروث که شیوه افراد بی مایه، در جوامع منحط و عقب مانده است پرهیز نماید، و آنچه را که پسندیده عقل است بپذیرد. و تعالیم و احکام و احادیث مجعولی که عقل باریک بین و فکر سلیم به صحت آن گواهی نمی دهد و جنبه خرافی دارد از صفحه ضمیر خود به دور افکند، تنها از این راه می توان کمابیش به حقایق پی برد و از گزند خرافات و اندیشه های باطل رهایی یافت.